

پرسش نحوه مواجهه امام جعفر صادق علیه السلام

با فرقهای انحرافی غلات و مرجئه

دکتر ایوب رنجبری

(استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی)

مرجان موسی زاده

سرشناسه	: رنجبری، ایوب
عنوان و نام پدید آور	: بررسی نحوه مواجهه امام جعفر صادق(ع) با فرقه های انحرافی غلات و مرجئه / ایوب رنجبری، مرجان موسی زاده
مشخصات نشر	: قم، مشعل هدایت، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۸ ص
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۱۳۲-۷-۶ / ریال ۳۰۰۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه: ص ۱۶۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: جعفر بن محمد(ع)، امام ششم، ۸۰-۱۴۸ ق. - دیدگاه درباره غلو
موضوع	: جعفر بن محمد(ع)، امام ششم، ۸۰-۱۴۸ ق. - دیدگاه درباره غلات شیعه
موضوع	: جعفر بن محمد(ع)، امام ششم، ۸۰-۱۴۸ ق. - دیدگاه درباره مرجئه
موضوع	: غلاة شیعه
موضوع	: مرجئه
موضوع	: اسلام - فرقه ها
شماره افزوده	: موسی زاده، مرجان
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۸ ف ۴ ب ۴۵/۳۵
رده بندی دیسی	: ۲۹۷/۹۵۵۳
شمار کتابشناسی ملی	: ۹۸۹۷۲۴۶

شناسنامه کتاب

نام کتاب: بررسی نحوه مواجهه امام جعفر صادق(ع) با فرقه های انحرافی غلات و مرجئه

مؤلف	: دکتر ایوب رنجبری (استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ماکو) - مرجان موسی زاده
ناشر	: مشعل هدایت
صفحه آرا	: فاطمه رابط (خدمات کامپیوتری ماندگار)
نوبت چاپ	: اول ۱۳۹۸
چاپ	: یاران
شمارگان	: ۲۰۰۰
قیمت	: ۳۰۰۰۰ تومان
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۱۳۲-۷-۶

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است.



تحمیدیه

سپاس و ستایش مر خدای را جل و جلاله آثار قدرت او بر چهره روز روشن،
تادان است و انوار حکمت او در دل شب تار، درفشان. آفریدگاری که خویشتن
را به ما شناساند و درهای علم را بر ما گشود و عمری و فرصتی عطا نمود تا
بدان بنده ضعیف خویش را در طریق علم و معرفت بیازماید.

تقدیم به

این مجموعه را ابتدا تقدیم می‌کنم به پدر و مادر مهربانان؛
همچنین تقدیم به محضر مبارک ائمه اطهار علیهم‌السلام مخصوصاً مغز متفکر شیعه
امام جعفر صادق علیه‌السلام که با توسل به ایشان این تحقیق به سرانجام رسید.
و به تمام آزاد مردانی که نیک می‌اندیشند و عقل و منطق را پیشه خود نموده و
جز رضای الهی و پیشرفت و سعادت جامعه، هدفی ندارند. دانشمندان، بزرگان
و جوانمردانی که جان و مال خود را در حفظ و اعتلای این مرز و بوم فدا نموده
و می‌نمایند.

تقدیر و تشکر

به پاس تعبیر عظیم و انسانی‌شان از کلمه ایثار و از خودگذشتگان

به پاس عاطفه سرشار و گرمای امیدبخش وجودشان که در این سردترین

روزگاران بهترین پشتیبان است

به پاس قلبهای بزرگشان که فریاد رس است و سرگردانی و ترس در

پناهاشان به حجاجت می‌گراید

و به پاس محبت‌های بی‌دریغشان که هرگز فروکش نمی‌کند

این مجموعه را به پدر و مادر عزیزمان تقدیم می‌کنیم

با سپاس از سه وجود مقدس:

آنان که ناتوان شدند تا ما به توانایی برسیم...

موهایشان سپید شد تا ما روسفید شویم...

و عاشقانه سوختند تا گرمابخش وجود ما و روشنگر راهمان باشند...

پدرانمان

مادرانمان

استادانمان

چکیده

دوره امام جعفر صادق علیه السلام یکی از دوره‌های ویژه تاریخ اسلام می‌باشد. از ویژگی‌های مهم این دوره، ترویج و رشد فرقه‌های گوناگون می‌باشد؛ که از این لحاظ عصر کنونی ما بی‌شباهت به آن دوره نیست، لذا هدف تحقیق حاضر این است که شیوه‌های مواجهه امام جعفر صادق علیه السلام با فرقه‌های انحرافی بررسی شود تا الگوی مناسب برای مقابله با فرق مختلف در جامعه کنونی قرار گیرد.

فرقه‌های عصر امام جعفر صادق علیه السلام: کیسانیه، زیدیه، غلات، خوارج، مرجئه و معتزله می‌باشند که در این تحقیق به دو فرقه مرجئه و غلات پرداخته می‌شود.

بعد از مباحث کلی و تبیین حیات امام جعفر صادق علیه السلام که در فصل اول آمده، در فصل بعدی به شیوه‌های مواجهه امام صادق علیه السلام با غالیان به دو شیوه کلی مسالمت‌آمیز و سخت‌گیرانه مانند: استدلال به قرآن و حدیث، استدلال به حکمت و برهان، نهی از هم‌نشینی، لعن و نفرین، برائت... اشاره شده است و نیز در فصل سوم نحوه مواجهه امام جعفر صادق علیه السلام با تفکر مرجئه (جدایی ایمان از عمل) با شیوه‌های تبیین ایمان و تشریح خطاهای فکری بررسی شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که برخی شیوه‌های امام جعفر صادق علیه السلام در مقابل با فرق همانند تبیین و آگاه‌سازی، هشدار به شیعیان، نهی از هم‌نشینی و لعن و نفرین مشترک بودند و همچنین شیوه‌های برخورد و اعمال ایشان متناسب و مطابق با تفکرات و میزان افراط و جمل و فریبکاری فرقه‌ها بوده است.

با توجه به اینکه رگه‌هایی از افراطی‌گری‌های غلات و فکر مرجئه در قالب دیگری در جهان امروز استمرار یافته، بنابراین بررسی نحوه مواجهه امام جعفر صادق علیه السلام موجب روشنگری و الگوگیری برای مقابله با این گونه تفکرات خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: مواجهه، امام جعفر صادق علیه السلام، فرقه انحرافی، غلات، مرجئه.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	چکیده
۱۲	کلیات و مفاهیم
۱۳	مقدمه
۱۵	معنای لغوی فرقه
۱۶	معنای اصطلاحی فرقه
۱۶	معنای لغوی غلو
۱۷	غلو در اصطلاح
۱۸	غلو در قرآن
۱۹	معانی ارجاء
۲۰	ارجاء در اصطلاح
۲۵	فصل اول: حیات فکری و سیاسی امام جعفر صادق علیه السلام
۲۷	۱-۱- زندگی نامه مختصر امام صادق علیه السلام
۲۸	۲-۱- اوضاع سیاسی دوران امام صادق علیه السلام
۳۱	۳-۱- فعالیت های فرهنگی و سیاسی - اجتماعی

۳۱	۱-۳-۱- فعالیت‌های فرهنگی.....
۳۶	۲-۳-۱- فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی.....
۳۹	۴-۱- امام صادق علیه السلام ، قیامها و فرقه‌ها.....
۳۹	۱-۴-۱- زیدیه.....
۴۳	۲-۴-۱- قیام محمد نفس زکیه.....
۴۵	۳-۴-۱- پیدایش فرقه اسماعیلیه.....
۴۶	۲-۴-۱- علل عدم قیام امام جعفر صادق علیه السلام
۴۹	۵-۱- نتیجه.....
۵۱	فصل دوم: مواجهه امام جعفر صادق علیه السلام با فرقه غلات.....
۵۳	۱-۲- مقدمه.....
۵۴	۲-۲- معرفی فرقه‌های عالمی زمان امام صادق علیه السلام
۵۴	۱-۲-۲- بزعیه.....
۵۶	۲-۲-۲- ابوالخطاب.....
۶۱	۳-۲-۲- پیروان ابو الخطاب (خطابیه مطلقه).....
۶۴	۱-۳-۲-۲- معمريه.....
۶۶	۲-۳-۲-۲- مفضليه.....
۶۷	۳-۳-۲-۲- اصحاب سری (سریه).....
۶۸	۴-۳-۲-۲- بشاریه (علبانیه).....
۷۰	۵-۳-۲-۲- یونس بن ظبیان.....
۷۲	۴-۲-۲- توهم الوهیت امام جعفر صادق علیه السلام از سوی برخی شیعیان.....
۷۳	۵-۲-۲- اهل اباحه.....
۷۶	۳-۲- علل پیدایش غلات.....



- ۴-۲- باورهای غالیان ۷۹
- ۴-۲-۱- باورهای اختصاصی غالیان ۷۹
- ۴-۲-۲- باورهای به‌ظاهر اشتراکی غالیان و شیعیان ۸۱
- ۵-۲- مواجهه امام جعفر صادق علیه السلام با غالیان ۸۴
- ۵-۲-۱- شیوه‌های برخورد با غالیان جاهل و فریب‌خورده ۸۴
- ۵-۲-۱-۱- شیوه‌های مسالمت‌آمیز گفتاری ۸۵
- ۵-۲-۱-۲- شیوه‌های عملی و رفتاری ۱۰۱
- ۵-۲-۲- شیوه‌های برخورد با غالیان شیاد و فریبکار ۱۰۳
- ۵-۲-۱-۱- شیوه‌های سخت‌گیرانه گفتاری ۱۰۳
- ۵-۲-۱-۲- برخورد‌های سخت‌گیرانه عملی ۱۲۳
- ۶-۲- نتیجه ۱۲۷

فصل سوم: مواجهه امام جعفر صادق علیه السلام با فرقه مرجئه ۱۲۹

- ۱-۳- معرفی فرقه‌های مرجئه زمان امام صادق علیه السلام ۱۳۱
- ۱-۳-۱- یونسیه (پیروان یونس بن عون السمری) ۱۳۳
- ۱-۳-۲- عییدیه (پیروان عبدالملتب) ۱۳۳
- ۱-۳-۳- غیلانیه (پیروان غیلان دمشقی) ۱۳۳
- ۱-۳-۴- صالحیه (پیروان ابوالحسن صالح بن عمرو صالحی) ۱۳۴
- ۱-۳-۵- ثوبانیه (پیروان ابو ثوبان) ۱۳۴
- ۱-۳-۶- تومینه (پیروان ابو معاذ تومنی) ۱۳۴
- ۱-۳-۷- نجاریه (پیروان حسین بن محمد نجار) ۱۳۵
- ۱-۳-۸- مریسیه (پیروان بشر مریسی) ۱۳۵
- ۱-۳-۹- کرامیه (پیروان محمد بن کرام سجستانی) ۱۳۵
- ۱-۳-۱۰- حنفیه (پیروان ابو حنفیه) ۱۳۶

۱۳۶	۱۱-۱-۳- جهیمه (پیروان جهم بن صفوان).....
۱۳۶	۱۲-۱-۳- شبیهه (پیروان محمد بن شیب).....
۱۳۷	۲-۳- پیدایش مرجئه.....
۱۳۸	۳-۳- عقاید مرجئه.....
۱۳۸	۱-۳-۳- مفهوم توحید:.....
۱۳۸	۲-۳-۳- رؤیت پروردگار:.....
۱۳۹	۳-۳-۳- عصمت پیامبران:.....
۱۳۹	۲-۳-۳- خلق قرآن:.....
۱۳۹	۵-۳-۳- مفهوم گناه:.....
۱۴۰	۶-۳-۳- اعتقاد به «استبراء» و «وعید»:.....
۱۴۱	۷-۳-۳- عذاب کافران:.....
۱۴۱	۸-۳-۳- جزای گناه کاران اهل قبله:.....
۱۴۳	۴-۳- مواجهه امام صادق علیه السلام با فرقه مرجئه.....
۱۴۳	۱-۴-۳- تبیین صحیح ایمان.....
۱۵۰	۲-۴-۳- تشریح خطاهای فکری مرجئه و پیامدهای آن.....
۱۵۱	۳-۴-۳- هشدار به شیعیان و پیروان خود ممن برپرهیز از تفکر مرجئه.....
۱۵۷	۳-۴-۳- استمرار تفکر مرجئه.....
۱۶۱	نتیجه گیری.....
۱۶۵	منابع و مآخذ.....

کلیات و مفاهیم

مقدمه:

پس از رحلت پیامبر اسلام ﷺ و در زمان ائمه اطهار علیهم السلام، گروه‌های زیادی با عقاید و گرایش‌های مذهبی مختلف در جامعه اسلامی پیدا شدند. اولین فرقه و گروهی که در این تحقیق بحث می‌شود فرقه غلات است این گروه که عده‌ای تندر و با عابدی خاص بودند با طرح عقاید غالباً نه خویش در جامعه شیعی، بعضی شیعیان را به خود جلب کردند و از این طریق ضربات زیادی را به جامعه شیعی وارد ساختند این افراد و فرقه‌های افراطی در طول تاریخ حضور امامان شیعه علیهم السلام، به خصوص دوران امامان صادقین علیهم السلام حضور پر رنگی داشتند، بدون شک افراد و فرقه‌های غالی متبع بودند و افکار و اندیشه‌های غالیانه آن‌ها شدت و ضعف داشته است. این طیف وسیع غلات، هم شامل غالیان جاهل و فریب‌خورده می‌باشد و هم شامل غالیان شیاد و فریبکاری می‌شود که به‌منظور دستیابی به اهداف مادی و دنیوی، بر اندیشه‌های غالیانه خویش اصرار داشتند. این پژوهش به بررسی جریان غلات و شیوه‌های برخورد و مواجهه امام جعفر صادق علیهم السلام، با این افراد می‌پردازد. دومین فرقه‌ی مورد بحث در این تحقیق، فرقه و تفکر مرجئه می‌باشد که از بطن منازعات کلامی که پس از رحلت پیامبر ﷺ درباره‌ی مسائل از جمله: تعریف ایمان و جدایی آن از عمل بین مسلمانان در گرفت و اقوال مختلفی مطرح شد، فرقه‌ای به نام مرجئه پدید آمد. این فرقه نقطه مقابل فرقه خوارج که هر گناه کبیره‌ای را موجب کفر می‌دانستند و حضرت علی علیهم السلام و خلیفه سوم عثمان را به خاطر ارتکاب پاره‌ای اعمال که به اعتقاد آن‌ها

گناه بوده، تکفیر می‌نمودند. فرقه مرجئه برعکس خوارج گناه را مضر به ایمان نمی‌دانستند و می‌گفتند عمل در حقیقت ایمان نیست و ایمان عبارت است از مجرد اقرار به زبان اگرچه همراه هیچ عملی نباشد؛ بنابراین این عقیده موردپسند بنی‌امیه بود و موجب تقویت ایشان می‌شد و چون هر چه از جنایات بنی‌امیه مطرح می‌گشت، می‌گفتند به ایمان و اسلام آنان ضرری نمی‌رساند. لذا امام جعفر صادق (علیه السلام) با شیوه‌های مختلف که شامل تعریف و تبیین صحیح ایمان و هشدار به پیروان و شیعیان بود، ایشان را از نزدیک شدن با فرقه‌های مرجئه و تفکرات ارجائی بر حذر داشتند.

تاریخ زندگی هر یک از ائمه با توجه به شرایط زمان حاکم بر آن از ویژگی‌های خاصی برخوردار بوده است. دوران امام صادق (علیه السلام) را می‌توان دوره انقلابی فرهنگی در تاریخ زندگی ائمه بیان داشت. همچنین دوره تزلزل قدرت امویان و عصر انتقال قدرت از اموی به عباسی به شمار می‌آید. در این شرایط امامت در جایگاه حقیقی خود در جامعه قرار نداشت و مردم از سرچشمه زلال معارف اصیل محروم بودند. بنی‌امیه مانع از بازرگاری مناسب و گسترده دانش در جامعه بود. در این خلأ فرقه‌های مختلف از جمله غلات، مرجئه، کیسانیه و زیدیه که برخی از آنها از قبل تشکیل شده بودند رشد کردند و زمینه‌های انحراف را پدید آوردند؛ بنابراین امام صادق (علیه السلام) حرکت جدید را برای ترویج معارف اسلامی شروع کردند و با درک درست از وضعیت جامعه با راهکارهای اساسی بر خود لازم دیدند که به مقابله با چالش‌های و جریان‌های انحرافی بپردازند. لذا در این پایان‌نامه تلاش می‌گردد موضع‌گیری‌های امام جعفر صادق (علیه السلام) در برابر دو فرقه انحرافی غلات و مرجئه بررسی گردد.

معنای لغوی فرقه

کلمه فرقه در لغت از ریشه «فَرَّقَ» به معنای جدا کردن و جدا شدن گرفته شده است و نامی است برای گروهی از مردم.^۱
در مفردات راغب آمده است: الفَرَق «جدا کردن» با واژه‌ی فَلَقِ نزدیک به هم هستند با این تفاوت که فَلَق به اعتبار از شکافتن و فرق به اعتبار جدایی می‌باشد.

«وَإِذْ فَرَقْنَا بَيْنَكُمُ الْبَحْرَ»^۲

فَرَّقَ: فَلَعه‌ی جدا شده رَفَقَ: گروهی از جماعت جدا و متفرق شده‌اند.

فریق: گروه جدا شده از دیگران.^۳

در آیات زیر این کلمه بکار رفته است.

«فَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ»^۴ «فَرِيقًا فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقًا فِي السَّعِيرِ»^۵ و «إِنَّهُ كَانَ

فَرِيقٌ مِنْ عِبَادِي» و ...

ابن منظور می‌گوید: «الفرقة: طائفةٌ مِنَ النَّاسِ» و به عده و گروهی از مردم

گفته می‌شود.^۶

۱ ابن فارس، معجم مقایس اللغة، ج ۴، ص ۴۹۳

۲ بقره (۲): ۵۰

۳ راغب اصفهانی، مفردات فی غریب القرآن، فارسی، مترجم، حسین خداپرست.

۴ بقره، (۲): ۸۷

۵ شوری (۲۵): ۷

۶ شوری (۱۸): ۱۰۹

۷ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۲۳۴

معنای اصطلاحی فرقه

کلمه فرقه در اصطلاح، معنای نزدیک به معنی لغوی دارد و به گروهی از مردم که اعتقاد واحدی غیر از اعتقاد دیگران را انتخاب و دنبال کننده فرقه گفته می‌شود. مثلاً اگر عده‌ای از پیروان یک دین، اعتقاد خاصی غیر از اعتقاد عموم پیروان آن دین داشته باشند به آن عده «فرقه» گفته می‌شود.^۱

برخی نیز در معنای فرقه علاوه بر مفهوم گروه و مردم، مفهوم جدایی و مفارقت را هم به کار برده‌اند. البته لازم است به این نکته توجه شود که واژه «فرقه» به شکل که امروزه استفاده می‌شود، عبارتی برای اشاره به جنبش‌های نوپدید دینی یا سایر گروه‌هایی است که اعتقادات آن‌ها و یا رفتارهایشان از نظر عموم مردم غیرعادی و یا غریب محسوب می‌شود.

امروزه در غرب از لغت فرقه به عنوان ابزاری برای تخریب علیه گروه‌هایی استفاده می‌شود که اعتقادات و یا رفتارهایی غیرمنطقی دارند. بدون آنکه تعریف دقیق و ثابتی از کلمه فرقه ارائه دهند.

معنای لغوی غلو

«غلو» بر وزن فُعُول، مصدر «غَلَى يَغْلُو» و به معنای افراط، ارتفاع، بالا رفتن و تجاوز از حد و حدود هر چیز می‌باشد. لذا وقتی قیمت چیزی از حد معمول خود بالاتر می‌رود. به آن «غال» (به معنای گران) می‌گویند. چنان‌که درباره مایعات درگاه به جوش آیند و در حد خود ننگند، می‌گویند: غَلَّیان کرده‌اند به تیر همچون کمان

۱. محمد معین، فرهنگ معین، ج ۳، ص ۲۵۲۳

۲. محمد علی صفوت، فرهنگ نفیس، ج ۲، ص ۱۱۴

تجاوز می‌کند «غَلَو» می‌گویند. از همین جاست که به مقدار مسافتی که معمولاً هر تیر در هنگام خروج از کمان طی می‌کند. «غَلَوَه» گفته می‌شود. چون از حدّ خود تجاوز کرده است. گرچه کلمه تعدی نیز به معنای افراط و تجاوز از حدّ می‌باشد، اما کلمه غلَو در جایی به کار برده می‌شود که تجاوز از حدّ زیاد باشد.^۱

بنابراین هرگاه این کلمه در مورد معتقدات دینی و مذهبی به کار رود، به این معناست که چیزی را که با آن اعتقاد دارد از حدّ خود، بسیار فراتر بوده است. ضد کلمه «غلو» که افراط و تجاوز از حد معنا شد، کلمه «تقصیر» به معنای کوتاهی^۲ و خروج از حد وسط، به طرف نقصان و کمی است. دین الهی که همگان به پیروی از آن امر شده‌اند، بین غلو و تقصیر، یعنی رعایت میانه‌روی و اعتدال است.^۳

غلو در اصطلاح:

این واژه در اصطلاح شرع، به تجاوز و مبالغه نمودن در حق پیامبران و اولیای الهی علیهم‌السلام و اعتقاد به الوهیت یا ربوبیت آنان اطلاق می‌شود؛ به عبارت دیگر هرگاه این کلمه در مورد عقاید دینی و مذهبی به کار رود به این معنی است که انسان به آنچه اعتقاد دارد. آن را از حد معمولی و طبیعی بالاتر ببرد؛ و پیرو آن غالیان به کسانی گفته می‌شود که به اسلام تظاهر می‌نمایند و از طرفی به امیر مؤمنان علیه‌السلام و امامان دیگر از نسل او نسبت خدایی می‌دهند و آنان را به چنان فضائی در دین و دنیا می‌ستایند که از اندازه خارج شده‌اند.

۱ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۶۶۹

۲ همان.

۳ طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۲۳۰

علامه مجلسی غلو در پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام را قول به خدایی ایشان، اعتقاد به شراکت آنان با خداوند در معبودیت یا خلق و رزق، حلول خداوند در ایشان یا اتحاد خداوند با آنان، اعتقاد به اینکه علم غیب را بدون وحی و الهام می‌دانند. قول به نبوت ائمه علیهم السلام، قول به تناسخ ارواح، اعتقاد به اینکه معرفت آنان فرد را از عادت بی‌نیاز کرده و تکلیف را از او برمی‌دارد. دانسته و اعتقاد به هریک از این موارد را کفر و خروج از دین دانسته‌اند.^۱ علامه مجلسی در این تعریف تقریباً به تمامی مصادیق غلو در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام اشاره کرده است. به این نکته باید توجه داشت که غلو و زیاده‌گویی تنها به پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام اختصاص ندارد؛ چنین عقایدی در مورد انسان‌های عادی به‌طریق‌اولی جزو مصادیق بارز غلو محسوب می‌شود و چه‌بسا مصادیق غلو در مورد اشخاص عادی به‌مراتب بیشتر باشد به‌عنوان مثال: قول به امامت غیر ائمه از مصادیق بارز غلو محسوب می‌شود.^۲

غلو در قرآن

ماده «غ ل و» به‌صورت «لاتغلو» که نهی از غلو است، تنها در دو مورد در قرآن کریم وجود دارد و در هر دو مورد درباره اهل کتاب به‌کاررفته است. در آیه ۷۷ سوره مائده خداوند اهل کتاب را از غلو در دینشان عمل کرده است:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَصْلُوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ

۱ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۳۶۴

۲ همان

بگو: ای اهل کتاب! در دین خود، به ناحق بزرگنمایی نکنید و از هوس‌های گروهی که پیش از این گمراه گشتند و بسیاری را گمراه کردند و از راه درست گم شدند، پیروی ننمایید.

در آیه ۱۷۱ سوره نساء نیز آمده است:

«يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَ انْتَهَوْا خِزْيًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهُ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ»

ای اهل کتاب! در دینتان غلو نکنید و درباره خدا جز حق نگوئید. مسیح، عیسی پسر مریم، فقط فرستاده خدا و کلمه اوست که او را به سوی مریم افکنده؛ و روحی از جانب اوست؛ پس به خدا و فرستادگانش ایمان آورد بگوئید: [خدا] سه گانه است. [به این سخنان] پایان دهید؛ که برای شما بهتر است چراکه خدا، فقط معبودی یگانه است: او منزّه است از اینکه برایش فرزندی باشد.

در این آیه خداوند به اهل کتاب سفارش کرده است که در مورد خداوند جز حق، سخنی بر زبان نیاورند و در ادامه به عقیده «ابن الله» بودن مسیح عليه السلام و تثلیث اشاره دارد که در حقیقت علت نهی الهی را آشکار می‌سازد.

معانی ارجاء

واژه «مرجئه» در زبان عربی، اسم فاعل از مصدر «ارجاء» است. در فرهنگ‌های لغت دو معنا برای این واژه ذکر کرده‌اند: «تأخیر انداختن و مهلت دادن»؛ و «امید دادن و امیدوار کردن»^۲. اگر لغت «ارجاء» را از ماده «رجاء» به معنای امید

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۸۳، شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۳۹

۲. محمد بن عبدالکریم، شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۳۹

دادن و امیدوار کردن بدانیم، مرجئه به کسانی اطلاق می‌شود که برای گناهکاران امید بخشش و ثواب دارند؛ اما اگر آن را از ماده «ارجاء» و به معنای تأخیر انداختن و مهلت دادن بدانیم، مرجئه کسانی خواهند بود که حکم مرتکبان کبیره را به آخرت و روز قیامت موکول می‌کنند و به تأخیر می‌اندازند تا خداوند درباره آن‌ها حکم و قضاوت کند.

در قرآن کریم نیز «ارجاء» به معنای مهلت دادن و تأخیر انداختن آمده است: «قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ» (به فرعون گفتند): کار موسی و برادرش را به تأخیر انداز! در آیه‌ای دیگر از قرآن می‌خوانیم: «وَ آخِرُونَ مُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ» و گروه دیگر (برخلاف آن دو گروه دیگر) کسانی هستند که به فرمان خدا واگذار شده‌اند؛ یعنی تصمیم‌گیری درباره آن‌ها به تأخیر افتاده است تا دستور خداوند به پیامبر برسد که آن‌ها را عذاب کند یا ببخشد.

ارجاء در اصطلاح

مرجئه در اصطلاح یکی از فرقه‌هایی است که در نیمه دوم قرن اول هجری با تفکراتی جدید و متمایز، در کنار یکدیگر فرقه‌های آن عصر، در جامعه نوپای اسلامی پدید آمده است. این مکتب رویکرد خاصی درباره امام و حاکم جامعه اسلامی و تعریف ویژه‌ای از مفهوم «ایمان» دارد. از دیدگاه پیروان این فرقه، حتی اگر امام و حاکم اسلامی مرتکب معاصی و گناهان کبیره شود، نمی‌توان از او سرپیچی کرد. اطاعت از چنین حاکمی و حتی اقتدای نماز به او مانعی ندارد؛^۴

۱. امین، معجم الفرق الاسلامیه، ص ۲۲۱

۲. اعراف (۸): ۱۱۱

۳. توبه (۱۰): ۱۰۶

۴. امین، ضحی الاسلام، ج ۳، ص ۳۲۵

چون برای همه‌ی افراد، حتی مرتکبان گناه کبیره، امید بخشش و نجات و رستگاری وجود دارد و باید قضاوت درباره‌ی چنین کسانی را تا روز قیامت به تأخیر انداخت و آن را به خدا واگذار کرد، مثلاً درباره‌ی ایمان و کفر امام علی علیه السلام و خلیفه سوم (عثمان) هیچ موضعی نباید داشت، بلکه باید توقف کرد و از بیان حکم و نظر نهایی پرهیز داشت.^۱

همچنین مرجئه «ایمان» را فقط تصدیق و معرفت یا تصدیق همراه با اقرار زبانی می‌داند. مرجئه با این تعریف عمل را در مرحله‌ی بعد و خارج از مفهوم ایمان قرار می‌دهد و معتقدند انسان با ارتکاب گناه کبیره از ایمان خارج نمی‌شود و مؤمن باقی خواهد ماند از آنجاکه ایمان حقیقتی است که با عمل ازدیاد (افزایش) و نقصان (کاهش) نمی‌یابد، ارتکاب کبیره به ایمان آسیبی نمی‌رساند؛ همان‌گونه که باوجود «کفر» طاعات و عبادات هیچ سودی ندارند.^۲

«ارجاء» به معنای تأخیر انداختن و مهلت دادن به چهار صورت در اصطلاحات و عقاید مرجئه به کار رفته است:

۱. تأخیر حکم مرتکب گناه کبیره به روز قیامت:^۳ پیروان مرجئه معتقدند که درباره‌ی مرتکب کبیره نمی‌توان حکم نهایی صادر کرد. آیا بخشیده می‌شود یا خیر و آیا اهل بهشت است یا دوزخ؟ باید از قضاوت درباره‌ی چنین کسی خودداری ورزید و حکم قطعی و یقینی او را به روز قیامت واگذار کرد. چه با توبه از دنیا برود. چه بدون آن. مادلونگ این معنا را به داوری درباره‌ی رفتار خلیفه سوم و امام علی علیه السلام مربوط می‌داند که باید حکم ایشان را به خدا واگذار کرد.^۴

۱. محمدجواد، مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۴۰۳.

۲. محمد بن عبدالکریم، شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۳۹.

۳. همان.

۴. مادلونگ، فرقه‌های اسلامی، ص ۱۳۱.

۲. تأخیر عمل از ایمان^۱: این گروه، عمل را بعد از ایمان می‌دانند و پس از

ایمان برای آن اهمیتی ثانوی قائل‌اند.

۳. تأخیر مقام و منزلت و درجه علی (علیه السلام)، خلیفهٔ بلافصلی پیامبر، از رتبهٔ

اول به چهارم: مرجئه حضرت علی (علیه السلام) را خلیفهٔ چهارم و بعد از سه خلیفهٔ دیگر می‌دانند. بنا بر عقیدهٔ آنان، خدای متعال تعیین و نصب امام را تا رحلت پیامبر به تأخیر انداخت تا خود مردم امام و جانشین پیامبر را تعیین کنند.

۴. تأخیر دستورها و فرائض الهی با وقتی دیگر: بعضی از پیروان این

گروه، دستورها و اوامر الهی مانند نماز، روزه و حج را به تأخیر می‌اندازند و آن را در روز یا زمانی دیگر انجام می‌دهند.^۲ آن‌ها با این کار مرتکب گناه کبیره می‌شوند، اما معتقدند که این گناه به ایمانشان آسیبی نمی‌رساند. اصلی برای آن‌ها به انجام آن اعمال و فرائض است اگرچه با تأخیر و در وقتی دیگر باشد؛ نه اینکه آن اعمال را به کلی ترک کنند.

پس دلیل نام‌گذاری «مرجئه» ممکن است هر یک از این اعتقادات باشد، مثلاً به این دلیل مرجئه خوانده شدند که حکم مرتکب گناه کبیره را به خدا «ارجاء» می‌دهند، یا به تأخیر عمل از ایمان و تأخیر درجهٔ امام علی (علیه السلام) معتقدند و یا به این سبب که تأخیر (نه ترک) در دستورها و فرائض الهی را جایز می‌دانند.

حال باید دید اگر مرجئه را از مادهٔ «رجاء» بگیریم به چه معنا خواهد بود، چه عقیده‌ای را در برمی‌گیرد و فرقی با مرجئه از مادهٔ «ارجاء» دارد. اگر مرجئه را

۱. محمد بن عبدالکریم، شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۳۹.

۲. استادی، مقدمه‌ای بر ملل و نحل، ص ۱۵۷.

از مادهٔ «رجاء» به معنای امید داشتن و امیدوار بودن^۱ بدانیم، پیروان این معنای لغوی معتقدند که مرتکب گناه کبیره را باید به رحمت و بخشایش الهی امیدوار کرد. شاید غفران و رحمت بی‌حد و حصر الهی شامل حال او نیز شود؛ زیرا با داشتن ایمان، معصیت و گناه به آن ضرری نمی‌رساند. همان‌طور که طاعت و بندگی کفار هیچ سودی به حال آنان ندارد.^۲

۱. محمدجواد، مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۴۰۳: استادی، مقدمه‌ای بر ملل و نحل، ص ۱۵۷.

۲. محمد بن عبدالکریم، شهرستانی، شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۳۹.